

از مبارزه با خشونت علیه زنان تا شکستن خشونت علیه خود

طلعت تقی نیا

تقدیم به نسرين ستوده

هر چند بدون انکار ساختار مردسالار جامعه، نمی توان تغییری اساسی در ساختار بی رحم خشونت رایج بوجود آورد، با این حال اما، انجام برخی از اقدامات مانند: شناخت و افشای خشونت تاحدودی در جهت رفع یا تعدیل این پدیده، می تواند از رواج و گسترش آن بکاهد و یا شاید بشود امکان محافظت و حمایت را به قربانیان خشونت ارائه داد.

مدرسه فمینیستی: امسال ۲۵ نوامبر ۲۰۱۲، مصادف با ۵ آذرماه ۱۳۹۱ خورشیدی، سالگرد «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» بار دیگر به ما در مدرسه فمینیستی فرصتی دوباره داد تا اعتراض خود را به نسبت به حضور سایه گستر خشونت در ابعاد مختلف زندگی زنان نشان دهیم. از همین روست که به مناسبت فرا رسیدن این روز، طلعت تقی نیا در مطلب زیر ضمن نقد خشونت های سیستماتیک علیه زنان در ابعاد گوناگون، به وضعیت زنان زندانی از جمله نسرين ستوده به عنوان یکی از ابعاد خشونت های قانونی بر زنان پرداخته است:

در ایران، طی سال های اخیر، پدیده خشونت و اعمال آن بر زنان در محیط خانواده تا پهنه جامعه، مورد پژوهش و بررسی های همه جانبه قرار گرفته و در این زمینه تا جایی که بضاعت جنبش زنان مجال می داده است مطالب، مقالات و اسناد بسیاری جمع آوری و منتشر شده است (۱). بنابراین دیگر نمی توان در مورد وجود خشونت رایج در جامعه شک کرد. اما متأسفانه پدیده «خشونت رو به گسترش علیه زنان» در حال حاضر از طرف دولتمردان ما نه تنها مسکوت گذاشته شده و حتی امکان بحث و فضای گفت و گو در مورد آن محدودتر شده بلکه دل مشغولی برخی از دولتمردان کشورمان حول تبلیغ و ترویج ازدواج هایی است که اقتدار مردان را در خانواده بیش از گذشته افزایش می دهد و بر فرودستی و وابستگی زنان به مردان تأکید و اصرار دارد. این در حالی است که چنین شکلی از ازدواج، بی شک اعمال قدرت و خشونت بر زنان را در همه ابعاد - روانی، فیزیکی و شخصیتی - افزایش می دهد.

آمارها نشان دهند بی رغبتی دختران جوان به ازدواج و گرایش به تجرد، و نیز افزایش سرسام آور طلاق در سطح کشور است. این آمارها به ما گوشزد می کند که خانواده های ایرانی با مشکلی جدی و پیچیده در مورد ازدواج و تشکیل خانواده دست و پنجه نرم می کنند.

زنان و بزرگداشت های سالانه در برابر خشونت

زنان در بسیاری از کشورها، شهرها و محله های زندگی خود، روزها و مناسبت های جهانی یا ملی «مبارزه با خشونت علیه زنان» را به یک بزرگداشت سالانه تبدیل کرده اند. در گردهمایی فمینیستی در آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب که در پایتخت کلمبیا (بوگوتا) در روزهای ۱۸ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱ شکل گرفت، روز ۲۵ نوامبر به عنوان «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» اعلام شد. در آن گردهمایی، زنان به طور اصولی و پایه ای، از خشونت فیزیکی در خانواده گرفته تا تجاوز و آزار و اذیت جنسی و همچنین خشونت دولتی که شامل شکنجه و آزار زندانیان سیاسی زن می شود را محکوم کردند. اما گویا تجربه های تلخ زنان جهان از خشونت های روا شده بر آنان و وضعیت اسفبار زنان به واسطه حاکمیت قوانین زن ستیز و فرهنگ سنتی، نیاز به ۴۰ سال تفکر و تعمق و مبارزه داشت تا آن که سازمان ملل روزی را به یاد خشونت های روا شده بر زنان و با هدف محو خشونت، نامگذاری کند. زیرا از قتل «خواهران میرابل» (۲) توسط دیکتاتوری حاکم بر «جمهوری دومینکن» ۴۰ سال گذشت تا این که بالاخره جمهوری دومینکن به اتفاق نمایندگان ۷۴ کشور عضو سازمان ملل، سرانجام در سال ۱۹۹۹ در شورای عمومی این سازمان توافق کردند که تاریخ ۲۵ نوامبر را به احترام «خواهران میرابل»، به عنوان «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» اعلام نمایند.

زنان در ایران همبسته با زنان دیگر کشورها علیه خشونت

زنان با پوست و گوشت خود همه انواع و اقسام پیچیده و چندلایه خشونت را می شناسند: خشونت خانگی، خشونت روانی، خشونت اجتماعی خشونت اقتصادی مالی، خشونت قانونی، خشونت فیزیکی، خشونت سیاسی، خشونت کلامی. آری زنان تمامی این خشونت های گوناگون را نه تنها می شناسند بلکه در زندگی روزمره خود تجربه می کنند؛ چه آن موقع که در خانه خود کتک می خورند و از پله های دادگاه صدها بار بالا و پایین می روند به امید این که شاید بتوانند طلاق بگیرند و از دست ضارب خود نجات یابند؛ و چه آن زمان که در نبود شوهر و یا بیکاری و اعتیاد او، سرپرستی خانواده را بر عهده گیرند؛ و چه آن زمان که

برای داشتن روزی جهانی از آن خود و برگزاری ۸ مارس کتک می‌خورند و دستگیر می‌شوند. یا آن موقع که برای مطالبات شان اعتراض می‌کنند و یا نظرات و آراء اعتراضی شان را مکتوب می‌سازند؛ یا حتی موقعی که برای خبر گرفتن از بستگان دربندشان به دنبال مسئولین قضایی می‌دوند ولی نه جوابی می‌گیرند و اساساً نام شان و وجودشان نادیده گرفته می‌شود... آری زنان همه این خشونت‌ها را لمس می‌کنند، آن هم زمانی که مردان در مقابل کلام و منطق شان، دانش و اطلاعات شان، صبر و بردباری شان، و در نهایت مقاومت و پایداری شان، کم می‌آورند و متوسل به زور و خشونت می‌شوند؛ و چه آن هنگام که در سلول‌های خود مرگ عزیزان شان را به سوگ می‌نشینند یا دیدار همسر و بستگان و فرزندان کوچک شان را آرزو می‌کنند و گرسنگی ناشی از اعتصاب غذا، ذره ذره وجودشان را تحلیل می‌برد، اما از پایداری شان نمی‌کاهد. و لحظات بی‌پناهی شان، هیچ فریادرسی نمی‌یابند. و چه آن زمان که اعدام و سنگسار و تبعید و زندانی می‌شوند، و... آری، زن ایرانی همه‌ی انواع و اقسام این خشونت‌ها را می‌شناسد. حال او دیگر فقط یک زن نیست بلکه مجموعه‌ای مقاوم و با بصیرت از تجربه و آگاهی و شناخت از انواع خشونت و علل و اسباب خشونت است، از همین روست که او افسانه‌ها و منطق مرسوم خشونت علیه خشونت را قبول ندارد و در نتیجه، همواره به دنبال راهکارهای عقلایی، مسالمت‌آمیز و مدنی برای مهار و کاهش آن است.

هر چند بدون انکار ساختار مردسالار جامعه، نمی‌توان تغییری اساسی در ساختار بی‌رحم خشونت رایج بوجود آورد، با این حال اما، انجام برخی از اقدامات مانند: شناخت و افشای خشونت تا حدودی در جهت رفع یا تعدیل این پدیده، می‌تواند از رواج و گسترش آن بکاهد و یا شاید بشود امکان محافظت و حمایت را به قربانیان خشونت ارائه داد. اما متأسفانه آن چه که در حال حاضر در جریان است تاکید و ترویج خشونت‌های قانونی با استفاده از آن دسته از هنجارهای مردسالارانه است که در جامعه ایران چندان مورد قبول زنان نیست.

آغازی برای پایان دادن به خشونت علیه خود

متأسفانه در این میانه در مورد زندانیان زن ادعا می‌شود که مادر و همسر بهتر است که به وظایف مادری و همسری برسند. از نظر آنان اگر زنی وکیل و معلم و... است، وظایف اجتماعی و انسانی اش نه تنها در اولویت قرار ندارد بلکه مورد تقبیح و تنبیه نیز قرار می‌گیرد. به واسطه ترویج چنین هنجارها و ارزش‌هایی است که گاه با واکنش‌هایی از سوی قربانیان خشونت علیه خود رو برو می‌شویم، زنانی که

نمی‌توانند شرایط سخت و دردناکی را که برایشان ایجاد شده و بی‌عدالتی‌هایی که همان خشونت بی‌درمان است را تحمل کنند و از این رو از سر ناچاری گاه تنها راه موجود (یعنی انتخاب اعتصاب غذا) را برمی‌گزینند تا با اعمال خشونت بر خود و تن‌شان، به این ناعدالتی‌ها و خشونت‌ها اعتراض کنند.

بی‌شک من در شرایط دشوار این زنان زندانی نیستم ولی با احترام به خواسته و انتخاب این دسته از زندانیان، در این روز (پنجم آذر ماه ۱۳۹۱، سالروز مبارزه با خشونت علیه زنان) از وکیل نازنین و مقاوم خود، یعنی «نسرین ستوده» می‌خواهم به عنوان کسی که همیشه در بسیاری از حرکت‌ها پیشرو بوده و علیه هر گونه بی‌عدالتی ایستادگی کرده، این بار نیز آغاز کننده شکستن خشونت علیه خود باشد.

پا نوشت ها :

(۱) - برای نمونه می‌توانید به گزارش‌های هفتگی و ماهانه خشونت علیه زنان در مدرسه فمینیستی مراجعه کنید.

(۲) - پنجاه سال پس از تاسیس سازمان ملل و پنجاه سال اندیشیدن به برقراری حقوق بشر و پافشاری زنان بر تدوین کنوانسیون‌های الحاقی از جمله "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" در سال ۱۹۷۹ و پس از آن که در کنفرانس پکن ۱۹۹۵ خشونت علیه زنان به عنوان یکی از ۱۲ محور نگران‌کننده مطرح شد، سرانجام در سال ۱۹۹۹، روز ۲۵ نوامبر، به عنوان "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" نامگذاری شد.

خواهران میرابل معروف به "پروانه‌ها" که قتل فجیع و بی‌رحمانه آنان در دوران دیکتاتوری "تروخیو" در دومینکن وجه تسمیه روز جهانی خشونت هستند، از این رو نامگذاری این روز بیشتر به پیشینه سیاسی و مبارزات ضد دیکتاتوری باز می‌گردد که زنان جسور و افتخار آفرینی همچون "پروانه‌ها" در آن نقش اصلی داشتند.